

گذشته و حال شهر «تهران» در گفت و گو با استاد سید عبدالله انوار

## معماری جدید، مردم پایتخت را محصور کرده است



صدرا صدوقی



استاد سید عبدالله انوار، نسخه شناس باسابقه و پژوهشگر تاریخ تهران، اکنون در نود و چند سالگی، خاطرات و سخنان فراوانی از دگرگونی‌های ایران و تهران و زندگی مردمان آن در چند دهه گذشته تا امروز دارد. بررسی تاریخ فرهنگ و تحولات شهری در تهران به عنوان پایتخت ایران ما را بر آن داشت تا در گفت و گو با این عضو شورای علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، نگاهی داشته باشیم به پیشینه این شهر و جایگاه آن در جغرافیای فرهنگی ایران که در ادامه آن را می خوانید.



**زندگی در شهر تهران به چه زمانی بازمی گردد و چه تاریخچه‌ای دارد؟**

آن چیزی که ما از لغت تهران توانسته‌ایم پیدا کنیم؛ قبل از حمله مغول، نام آن در کتاب‌های جغرافیایی و کتاب‌های مسالک و ممالک وجود نداشت، بلکه در مبحث اسماء اعلام آن را پیدا کرده‌ایم. ما محمد بن تهرانی دولابی را پیدا کردیم که در قرن سوم بوده؛ حتی نمی دانستیم دولاب هم متعلق به کجا بوده است. درباره دولاب هم از طریق تاریخ بیهقی دانستیم که وقتی محمود غزنوی به ری آمد، قشون خود را در دولاب گذاشت و از آنجا بود که تهران به وسیله دولاب شناخته شد و دولاب هم به وسیله ری؛ تهران بعد از دوره خرابی ری به دست مغول‌ها مهم شد و در زمان شاه طهماسب اول صفوی که از پایتختش قزوین به شاه عبدالعظیم جایی که عمومی او مدفون بود، می رفت؛ از تهران خوشش آمد و دستور داد، دور و بر شهر را بارو بکشند که ۱۱۴ بارو شد و بر هر کدام نام سوره‌ای از قرآن گذاشتند و دستور داد دور آنها را خندق کنند و از آن زمان تا زمان ناصرالدین شاه، تهران کوچک بود. در ۱۲۸۴ قمری ناصرالدین شاه تهران را وسیع کرد و از میدان توپخانه کنونی ۱۵۰۰ قدم به شمال رفت و از شرق و غرب و جنوب نیز ۱۰۰۰ قدم به طرفین رفتند و دور آن را خندق کشیدند تا زمان رضاخان که او خندق‌ها را در ۱۳۰۹ شمسی پر کرد و تهران گسترش پیدا کرد. ولی حدود تهران در زمان ناصرالدین شاه در حد شمالی، به خیابان انقلاب می رسید. که اینها خندق‌های شمالی تهران بود. وقتی ۱۰۰۰ قدم از میدان توپخانه به سمت غرب بروید به خیابان کارگر جنوبی امروز (یا ۳۰ متری گذشته) می خورید و جنوب تهران نیز به پایین خیابان مولوی گفته می شد که امروز اسم آن تغییر کرده است و شرق تهران هم به خیابان «ری» ختم می شد.

**لهجه تهرانی از چه زمانی مرسوم شد؟**

وقتی رفته رفته شهرنشینی به وجود آمد، زبان تاتی از بین رفت؛ حتی تا همین اواخر نیز عده‌ای در سوهانک، تاتی صحبت می کردند. ولی رفته رفته شهرنشینی در تهران گسترش پیدا کرد؛ زبان جنبه فصاحت پیدا کرد.

**تهران به عنوان پایتخت، چه نقش و جایگاهی در جغرافیای فرهنگی ما داشته است؟**

در سال ۱۲۰۰ قمری فرمانده آقا محمد خان قاجار توانست تهران را از دست «زندیه» خارج کند، بعد آقا محمد خان بلافاصله از ایل قاجار که در شمال بود، خود را به تهران رساند و به قولی در ۱۲۰۰ و به قولی در ۱۲۲۰ (صحیح همان ۱۲۰۰ است) تهران را پایتخت کرد ولی در تهران نماند، آن زمان جمعیت تهران بیش از ۱۵ هزار نفر نبود. او برای ایجاد امنیت به سمت تفلیس رفت تا اینکه در سال ۱۲۸۰ تهران گشاده شد. در دوره پهلوی اول سرلشکر بوذرجمهری را شهردار تهران کرد و او خیابان‌ها را وسیع کرد. و رفته رفته مدرنیسم به این شهر آمد. البته ناصرالدین شاه می خواست کارهایی بکند اما کارهای او عمیق نبود.

**بعد از پایان دوره پهلوی با پیروزی انقلاب چه اتفاقات فرهنگی مثبتی در جغرافیای تهران رخ داد؟**

تهران از اول انقلاب همین است که بوده ولی یک اشکال بزرگ پیدا کرد؛ با حذف خندق‌ها، دیگر حدود تهران معین نیست و این یکی از مشکلات تهران برای شهرداری‌ها است. بین تهران و شمیران اختلاف اکوسیستمی وجود دارد؛ در گذشته «تهران» ناحیه گرمسیر این منطقه و شمیران ناحیه سرد این منطقه بوده است و به نوعی آب و هوای بیلابلی و قشلاقی در دو منطقه حاکم بوده؛ امروز تهران در حد شرق و غرب تا جایی که می تواند پیش می رود و این وضعیتی است که

**گویش مردم تهران چگونه بود؟**

زبان آنها زبان «تاتی» بوده است.

## پیشینه ابنیه تاریخی تهران چگونه است اولین ساختمان‌های مدرن از چه زمانی در تهران ساخته شد؟

پیشرفت صنعت و ساختمان‌سازی در دوره پهلوی اول بود، در دوره ناصرالدین شاه نیز ساختمان‌هایی ساخته شد؛ برجسته‌ترین آنها ساختمان شمس‌العماره بود، آرزوی ناصرالدین شاه این بود که از آنجا تمام شهر را ببیند، ولی آن بنا هم چند طبقه بیشتر نبود. ولی در زمان پهلوی اول تکنولوژی ساختمان‌سازی رونق گرفت و شهر جنبه پیشرفته‌ای پیدا کرد.

**آیا در گذشته مردم به ابنیه تاریخی مثل امروز توجه داشتند؟**  
البته در تهران ابنیه تاریخی خاصی وجود نداشت و اگر توریست یا مسافر خارجی به ایران می‌آمد، بیشتر بخاطر دیدن آثار قدیمی قبل از اسلام می‌آمدند یا برای دیدن معماری اسلامی و مساجد قدیمی، ولی تهران شهری دویست ساله است و مساجد و آثار قدیمی زیادی برای دیدن نداشت.

## تهران پژوهشی به صورت کاری علمی از چه زمانی شروع شده است؟

در حقیقت اولین و مهم‌ترین کتابی که درباره تهران نوشته شده، «مرآت البلدان» اعتماد السلطنه است. البته تهران دو نقشه مهم داشت، یکی نقشه ۱۲۷۵ که به آن نقشه کرشیش می‌گویند که یکی از استادان توپخانه در دارالفنون با شاگردانش این نقشه را کشیدند و همان تهران شاه طهماسبی را نشان می‌دهد. ولی نقشه بسیار خوبی «عبدالغفار خان نجم‌الملک» که بعدها «نجم‌الدوله» نامیده شد؛ در سال ۱۳۰۹ کشیده است که واقعا دقیق و علمی است و حاوی حدود تهران بعد از ۱۲۸۴ قمری در زمان ناصرالدین شاه است و در آن حدود تهران معین شده است؛ اما در مورد تهران پژوهی جدید باید گفت که این کار بیشتر در دوره پهلوی دوم انجام شد و در این اواخر هم یکی از معدود کسانی که در این زمینه اقدام کرد، بنده بودم؛ ۴ یا ۵ مقاله نوشتم و این بحث را شروع کردم که این شهر از حیث زمین‌ها و مالکین باید بررسی شود، کم‌کم این کار مورد توجه قرار گرفت و الان هم دیگران روی آن کار می‌کنند.

## با توجه به سن دویست ساله تهران آیا می‌توانیم معماری خاصی را به عنوان معماری بومی این شهر در نظر بگیریم؟

متأسفانه خیر! اما در زمان فتحعلی شاه معمارانی کار کردند که یکی از آنها استاد غلامرضا بود که من تاریخ آن را هم پیدا کرده‌ام، فتحعلی شاه او را از اصفهان آورد و او ساختمان‌هایی را بنا کرد، بعدها در دوره ناصرالدین شاه، برادرزنش یکی از معماران برجسته دوره ناصری بود؛ در دوره پهلوی دانشکده فنی هم مهندسی را بیرون داد غالباً به فرنگ رفته بودند لذا کار اساسی در آن دوره شروع شد و معماری غربی به ایران آمد، به نظر من امروز این برج‌های تهران

باید تصمیم درستی درباره آن بگیرند. البته مشکل مهم تهران «آب» آن است، آب تهران کم است؛ امروز سه رودخانه را بسته‌اند و تهران گرفتار بی‌آبی شده است. دولت و شهرداری‌ها باید حدود تهران را معین کنند و گر نه بی‌آبی تهران تشدید می‌شود. امروز سه سد «کرج»، «لتیان» و «لار» وجود دارد؛ حتی از آب زیرزمینی استفاده می‌کنند و این نیز به ضرر این شهر است.

## در گذشته ساختارهای اداری در تهران چگونه درست شدند؟

ساختارهای اداری دقیقی وجود نداشت؛ چون ما تا زمان مشروطیت چیزی نداشتیم؛ تشکیلات اداری ما بسیار مقدماتی بود و بعد از مشروطیت که در ایران مجلس و اداراتی درست شد؛ غالباً ساختمانی نبود و حتی در حکومت پهلوی اول نیز مقداری از ساختمان‌های کاخ گلستان که مرکز حکومت در دوره قاجار بود؛ جزو ادارات شد و بعدها رفته رفته در دوره پهلوی اول ساختمان‌هایی برای نظمی و ارتش و وزارت عدلیه و مالیه ساخته شد و در دوره پهلوی دوم نیز ادامه داشت که امروز به برج‌های عجیب و غریب رسیده است.

## آیا تهران شهری مذهبی بوده است؟

تهران، زمانی که در دوره فتحعلی شاه پایتخت شد، فضایی شیعه به آن رفت و آمد داشتند و با وجود مساجدی چون مسجد شاه سابق و مسجد سپه سالار؛ اینجا شهری بود که مذهب شیعه داشت و تعداد زیادی از فضایی شیعه در این شهر بودند و امروز هم که پایتخت یک کشور بزرگ اسلامی - شیعی است.

## وضعیت تعلیم و تربیت در تهران قدیم چگونه بود؟

تا زمانی که مدرسه دارالفنون نداشتیم، تحصیلات ما تحصیلات قدیمه اسلامی بود، دارالفنون توانست مدرسه‌ای با علوم جدید بیاورد و در دوره مظفرالدین شاه بود که رفته رفته مدارس جدید باز شد. البته میسیونرهای خارجی هم در ایران مدارس داشتند و بعد از مشروطیت مدارس جدید باز شد، اما پیش از آن هر کسی در اینجا درس می‌خواند، علوم قدیمه را خوانده بود.

## اگر بخواهیم نگاهی به تاریخ روحانیت و حضور روحانیون در تهران بیندازیم، شاهد چه پیشینه‌ای هستیم؟

روحانیون از زمان فتحعلی شاه بودند، به‌طور شاخص، امام جمعه حضور داشت و فتحعلی شاه شدیداً از آنها کمک می‌گرفت، در دوره ناصرالدین شاه فضایی دینی مورد توجه بودند و در آن زمان علما از حکومت جدایی نداشتند.

## رابطه مردم با روحانیون چطور بود؟

روحانیت مرجع دینی مردم بودند و از آنها در امور شرعی تقلید می‌کردند.

## با این جمعیت در این شهر چه باید کرد؟ چگونه باید این جمعیت را سکونت داد؟

اگر امکاناتی به شهرستان‌ها داده می‌شد و کمبودها رفع می‌شد، مهاجرت به تهران کمتر می‌شد و جمعیت به این حد نمی‌رسید.

## آیا به نظر شما خوب است که برخی از امکانات پایتخت به خارج از تهران منتقل شود؟

امکاناتی که در تهران وجود دارد باید در جاهای دیگر نیز باشد. بیمارستان‌ها در مناطق دیگر کشور باید دارای همین تجهیزات باشند؛ مثلاً وقتی بیمارستان نمازی در شیراز راه‌اندازی شد، میزان زیادی از بیماران را به سمت خود کشید؛ به زبان فرنگی به آن فسیلیتی گفته می‌شود. اگر این فسیلیتی‌ها در جاهای دیگری نیز وجود داشته باشد؛ افراد کمتر به تهران می‌آیند. امروز نیز بسیاری می‌خواهند از تهران خارج شوند چون آب و هوای تهران بسیار مسموم است.

## در باره پیشینه ساختمان انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با انجمن آثار ملی سابق توضیح دهید...

مرحوم دکتر مصطفوی به‌طور مفصل در این باره نوشته است؛ به این ناحیه پارک امیربهادر جنگ گفته می‌شد، او فرمانده کشیک خانه دوره مظفرالدین شاه بود و بعد از مشروطه نیز چون جزو مخالفین مشروطه شد، با محمد علی شاه به سفارت روس رفت؛ این منطقه باغ بسیار بزرگی بود و قناتی هم داشت. از ساختمان‌های امیربهادری آن دوره، این ساختمان محل روضه خوانی و تکیه بوده که باقی مانده است و ظاهراً منزل او در جای دیگری بوده است. در همین ناحیه و در خیابان فرهنگ تمام ساختمان‌ها از آن جنس بود، آن طرف نیز پل امیربهادر بود که امروز تمام ساختمان‌های آن جدید است ولی در طرف شرق خیابان شاهپور یا حافظ، هنوز ساختمان‌های قدیمی تری هست. در اول خیابان فرهنگ، مدرسه فرانکوپرسون بود که در آن زبان فرانسوی آموزش می‌دادند اتفاقاً من هم آنجا فرانسه خوانده بودم. این یک تکه به خیابان امیریه می‌خورد، چون باغ امیربهادر بعدها قسمت شد، ساختمان‌های جدیدی در این منطقه ساخته شده است.

## امروز حضور چنین ساختمانی چقدر می‌تواند در روحیه فرهنگی مردم منطقه تاثیر داشته باشد؟

فضای ساختمان‌ها در شهرها کوچک شده است و دیگر مثل قدیم نیست و کسی نمی‌تواند یک باغ داشته باشد و در آن زندگی کند و ناچار از زندگی در آپارتمان‌ها و فضاهای کوچک‌اند. دیدن بنایی که شاید قدیمی‌ترین ساختمان این ناحیه است، می‌تواند تاثیر داشته باشد و تا حدودی در روحیه افراد تاثیرگذار باشد.

کاملاً تحت تاثیر معماری آمریکایی است، فکر نمی‌کنند که آیا این نوع معماری، برای شهر تهران مناسب است یا نه؟! البته کار از کار حرف‌ها گذشته است!

## نگاهی به تهران امروز داشته باشیم؛ اتمسفر فرهنگی شهر تهران و مناسبات مردم و وضعیت معماری شهر را چطور می‌بینید؟

امروز تهران، آب بسیار کمی دارد؛ ابتدا باید فاضلاب تهران درست شود. آب سه رودخانه را به این شهر بسته‌ایم، این فاضلاب به کجا می‌رود؟! این آب باید دوباره تصفیه شود، این سیستم حتی در کشورهای پر آب نیز رعایت می‌شود؛ در آلمان قالب شهرها رودخانه دارند؛ ولی با این وجود فاضلاب تصفیه می‌شود. مساله دیگر کالایی شدن زمین در تهران است. زمین کالایی، ضرر فراوانی به اقتصاد می‌زند. قیمت زمین بالا رفته و بورس بازی روی زمین در جریان است و این اقتصاد را زمین می‌زند. همچنین معین شدن حدود شهر هم خیلی اهمیت دارد؛ یکی از اشتباهات بزرگ ما این بود که مجوز ساختمان‌های چندین طبقه در خیابان‌هایی داده شده است که این خیابان‌ها استعداد پذیرش این همه جمعیت و ترافیک را ندارند. شهرداری باید مراقب این موارد باشد.

## نقش شهرداری‌ها در اداره شهر بسیار پررنگ است؛ شهرداری در مورد پایتختی مثل تهران چه وظیفه‌ای دارد؟

ابتدا باید با کمک سازمان آب، تکلیف فاضلاب تهران را معین کنند.

## شهرداری‌ها چگونه می‌توانند در سبک زندگی مردم تاثیرگذار باشند؟!

شهرداری نمی‌تواند در زندگی مردم تاثیری داشته باشد؛ سبک زندگی مردم به شرایط اقتصادی وابسته است. باید شرایط اقتصادی معین و اصلاح شود، زندگی مردم در این صورت بهتر خواهد شد؛ شهرداری مسئول پاکیزگی شهر و حفاظت و حراست از شهر است. به نظر من امروز مساله عمده آب و فاضلاب تهران است.

## زیبایی بصری شهر در کیفیت زندگی افراد موثر است؛ امروز چه انتقاداتی به زیبایی بصری شهر دارید؟

در حقیقت زیبایی بصری شامل تناسب ساختمان‌ها در نسبت با هم است؛ امروز چنین تناسبی وجود ندارد، چون به یکباره مساله برج‌سازی در معماری تهران وارد شده و حتی دید اشخاص را هم عوض کرده است. در نیویورک در منطقه‌ای فقط برج‌سازی وجود دارد و چهره شهر در آن خیابان‌ها دگرگون شده است. این منظره دید انسان را عوض می‌کند. باید فکر می‌شد که آیا تهران استعداد چنین برج‌هایی را داشت یا نداشت؟!